



### لیگ ولخرج های ایران

پرونده‌ای برای بررسی تفاوت تأمین هزینه‌ها در فوتبال ایران و اروپا. فصل نقل و انتقالات تابستانی، بی‌ربط‌ترین بخش به کلیت فوتبال ایران است

۱۶

### نخواستنی‌ها

بازیکنان زیادی در فصل نقل و انتقالات تابستانی هیچ پیشنهادی ندارند و شاید بدون تیم بمانند؛ از راموس که زمانی کاپیتان رئال بود تا زایش که حتی در تست‌های پزشکی النصر عربستان هم قبول نشده است

۱۵

پنجشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۲ | ۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ | سال سی و یکم | شماره ۸۸۲۷

# همیشه در فوتبال



# خسته‌کننده

خدا حافظی پڑمان منتظری از دنیای بازیگری خیلی‌ها را یاد نجات و وقار اوانداخت و این حقیقت تلخ که چقدر شمار این چهره‌ها در فوتبال ایران کم شده است

یادداشت

## پسر نسل‌های طلایی

خیلی از هواداران استقلال، هنوز یک قاب عکس از تیم رویایی لیگ دوازدهم‌شان دارد. حالا اما دیگر هر قدر به آن تصاویر نگاه کنند، ستاره‌های به چشم‌شان نمی‌خورد که هنوز مشغول بازی باشد. خبر خداحافظی پڑمان منتظری با فوتبال، به یک نسل طلایی برای باشگاه استقلال پایان می‌دهد. شنیدن چنین خبری انگار، تلنگری برای یادآوری گذر بی‌رحم زمان است. چه کسی باور می‌کند از آخرین حضور پڑمان منتظری روی سکوی قهرمانی لیگ برتر، ۱۱ سال گذشته باشد؟ انصافاً چرا این قدر عجله دارید عقب‌به‌عقب‌گرا می؟

صحبت از نسل طلایی شد. این را هم فراموش نکنیم که پڑمان منتظری، فقط به نسل طلایی باشگاه استقلال تعلق نداشت. او از دل یک نسل طلایی در باشگاه فولاد بیرون آمد؛ پسران جوان، پر شور و جاه‌طلبی که با قهرمانی در لیگ برتر، چشم‌ها را خیره کردند؛ مهره‌هایی که از آکادمی فولاد خارج شده بودند و می‌خواستند همه چیز را ببرند. پسران ملادن فرانچچ، یک قهرمانی شگفت‌انگیز در فوتبال ایران را جشن گرفتند. ۳ سال بعد از آن قهرمانی باور نکردنی، پڑمان منتظری به استقلال رفت و آنقدر سریع در این تیم جا افتاد که انگار او را برای این باشگاه ساخته‌اند. بازیکنی که با تصمیم حجازی آبی پوش شده بود، ۷ فصل متوالی برای آبی‌ها بازی کرد و موفقیت‌های ریز و درشت زیادی به‌دست آورد. محبوبیت‌اش هم در این باشگاه، زبانزد خاص و عام بود.

پڑمان منتظری به ۲۳ دلیل، یک فوتبالیست منحصر به فرد به شمار می‌رفت. اول از همه به این خاطر که فوتبال را به شیوه‌ای امروزی و کاملاً مدرن یاد گرفته بود. درست در همان سال‌هایی که در دی.ان.ای مدافعان ایرانی، وحشتی عمیق از نزدیک شدن مهاجمان حریف گنجانده شده بود، پڑمان بدون ترس فوتبال بازی می‌کرد. درست وقتی خیلی از مدافعان لیگ برتری به محض دریافت پاس، بدون معطلی زیر توپ می‌کشیدند، پڑمان توپ را می‌گرفت، با سر بالا به اطرافش خیره می‌شد، بهترین گزینه برای پاس را انتخاب می‌کرد و بازی را به جریان می‌انداخت. همین فوتبالیست، الگوی خیلی از مدافعان ایرانی در نسل‌های بعدی شد چرا که هیچ‌وقت شتاب‌زده بازی نمی‌کرد. دلیل دوم را هم باید در رفتارهای پڑمان جست‌وجو کرد. می‌گویند فوتبال ایران، همه بازیکن‌ها را به تدریج شبیه خودش می‌کند؛ بدخلق، لجوج و کم‌عصاب. منتظری اما هیچ‌وقت به چنین شباهتی دچار نشد. او سال‌ها در سطح اول فوتبال ایران حضور داشت. بدون آنکه بهانه بگیرد. بدون آنکه شکست‌ها را به گردن دیگران بیندازد. بدون آنکه از بردها به‌عنوان بهانه‌ای برای خرد کردن حریف استفاده کند. بدون آنکه در گرداب رنگ‌ها غرق شود. بدون آنکه تلاشی برای آزار دادن رقیب انجام بدهد. منتظری انگار، از زاویه دیگری به فوتبال نگاه می‌کرد. او برای خدای کبری خوانی هم فقط یک جواب داشت: «امروز نه!»

پڑمان شاید یک سوپر استار نبود. بازیکنی محسوب نمی‌شد که درشت‌ترین تیرها را به خودش اختصاص بدهد. بازیکنی محسوب نمی‌شد که همیشه روی جلد باشد. با این حال هر وقت لازم داشتی، آنجا بود و به کمک تیم می‌آمد. در آن روزهای سخت و نفسگیر تلاش برای صعود به جام جهانی ۲۰۱۴، منتظری برای تیم کی‌روش همه کار کرد. حتی وقتی کارلوس از او خواست که در نخستین تجربه حضور در جام جهانی پست تخصصی را ترک کند و به سمت راست خط دفاعی برود، این کار را به بی‌نقص‌ترین شکل ممکن انجام داد. او در برزیل، همه دقیقاً ممکن را برای تیم ملی بازی کرد و با وجود بدشانسی و از دست دادن جام ملت‌های استرالیا، در مقدماتی جام جهانی روسیه دوباره بازیکن مهمی برای تیم ملی شد. هر چند که هیچ‌کس نفهمید آخرش چرا در نخستین بازی ایران در روسیه، او به جای روزبه چشمی وارد زمین مسابقه نشد و این تعویض، ناتمام ماند.

بازگشت پڑمان به استقلال و پوشیدن شماره محبوبش ۲۳ برای دومین بار، هواداران این تیم را به وجد آورد. او در این دوران تازه، یک قهرمانی حذفی را هم به فهرست افتخاراتش در این باشگاه اضافه کرد. هر چند که این دوران، چندان طولانی نشد و او دوباره به قطر برگشت تا این بار برای خریداریات بسازی کند. آخرین سال‌های فوتبال منتظری هم، در سکوت و آرامش سپری شد. او عادت نداشت هیاهو راه بیندازد و راه‌های مهم دیگری برای نفوذ به قلب‌ها بلد بود.

چه پایانی باشکوه‌تر از اینکه هواداران تیم رقیب هم دوست داشته باشند؟ چه تجربه‌ای جذاب‌تر از اینکه تو را با نسل‌های طلایی و تاریخ‌ساز به یاد بیآورند؟ چه مسیری دوست‌داشتنی‌تر از اینکه همیشه عضای دست تیم بوده باشی؟ خاطرات منتظری، در حافظه فوتبال ایران گم نخواهد شد. او حالا دوران مربیگری‌اش را شروع می‌کند و شاید خیلی زود، دوباره بخشی از این فوتبال باشد. از همین حالا منتظریم آقای منتظری!



072

روز مانده تا بازی‌های آسیایی



022

روز مانده تا لیگ برتر



030

روز مانده تا لیگ برتر



030

روز مانده تا لالیگا



031

روز مانده تا لیگ یک



037

روز مانده تا بوندس لیگا



038

روز مانده تا سری آ